



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: حقیقت شرعیه

تاریخ: ۲۶ آذر ۱۳۹۲

مصادف با: ۱۴ صفر ۱۴۳۵

موضوع جزئی: مقام سوم: کیفیت وضع در باب حقیقت شرعیه (الوضع بالاستعمال)

جلسه: ۴۶

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم نسبت به نظریه مرحوم آخوند مبنی بر امکان وضع بالاستعمال اشکالی مطرح شده، اصل اشکال این بود که ثبوتاً وضع بالاستعمال ممتنع است، چون مستلزم اجتماع دو لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد است و این عقلاً ممتنع است. محقق نائینی یک تقریب و محقق اصفهانی تقریب دیگری از این اشکال بیان کردند، نظر محقق نائینی این بود که قول به وضع بالاستعمال منجر به این می شود که لفظ هم ملحوظ به لحاظ استقلالی باشد و هم ملحوظ به لحاظ آلی، دو پاسخ از این بیان محقق نائینی ذکر کردیم؛ یکی پاسخ محقق عراقی و دیگری پاسخ محقق خوبی، پاسخ محقق عراقی را مورد خدشه قرار دادیم و گفتیم این پاسخ نمی تواند اشکال محقق نائینی را بر طرف کند. اما پاسخی که محقق خوبی داد دو مرحله داشت؛ مرحله اول اینکه چون استعمال رتبه متأخر از وضع است این تأخر رتبه باعث می شود محذور اجتماع لحاظین فی شیء واحد بر طرف شود. مرحله دوم این بود که همان گونه که لحاظ معنی در مرحله استعمال استقلالی است لحاظ لفظ هم استقلالی است لذا دو لحاظ وجود ندارد تا گفته شود اجتماع لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد پیش آمده است.

### بررسی اشکال محقق خوبی:

#### پاسخ از بخش اول:

ایشان در بخش اول پاسخ خود از محقق نائینی فرمود: استعمال رتبه متأخر از وضع است لذا اجتماع دو لحاظ در شیء واحد لازم نمی آید.

به نظر می رسد کلام ایشان محل اشکال است؛ چون تأخر رتبه استعمال از رتبه وضع در مسئله اجتماع لحاظین فی شیء واحد فی زمان واحد تأثیری ندارد، مرحوم آقای خوبی می خواست بگوید در وضع بالاستعمال، یعنی جایی که شارع با استعمال لفظ می خواهد آن لفظ را برای معنای خاص وضع کند مانند پدری که در بدو تولد فرزندش لفظ «علی» را استعمال می کند و می خواهد با این استعمال این نام برای او وضع شود، لفظ «علی» در ذهن او در مقام استعمال ملحوظ به لحاظ آلی است، وقتی می خواهد استعمال کند لفظ را به عنوان ابزار و وسیله برای انتقال معنی تصور می کند، پس وقتی لفظ «علی» را استعمال می کند این لفظ ابزاری است برای فهماندن معنای آن به مخاطب، در همین حال می خواهد وضع هم بکند یعنی با استعمال لفظ «علی» می خواهد این لفظ را به عنوان نام فرزندش وضع کند لذا نگاه او به لفظ در مقام وضع استقلالی است و این لفظ را استقلالاً تصور می کند و می خواهد آن لفظ را برای معنی وضع کند ولی چون رتبه استعمال متأخر از وضع است

این اختلاف رتبه امتناع و استحاله را از بین می‌برد و اجتماع دو لحاظ در شیء واحد پیش نمی‌آید چون این استحاله در جایی است که رتبه استعمال و وضع یکی باشد ولی در ما نحن فیه رتبه استعمال متأخر از وضع است لذا استحاله‌ای لازم نمی‌آید.

به نظر ما این سخن تمام نیست؛ چون بالاخره شیء، واحد است که همان لفظ است که در مقام استعمال، ملحوظ و متصور به لحاظ آلی و در مقام وضع، ملحوظ و متصور به لحاظ استقلالی است، پس شیء، واحد است و زمان هم واحد است یعنی در یک زمان استعمال و وضع صورت می‌گیرد یعنی همان زمانی که لفظ را استعمال می‌کند وضع را هم محقق می‌کند، دو لحاظ هم در این شیء واحد اجتماع کرده‌اند لذا اجتماع لحاظین فی شیء واحد فی زمان واحد به قوت خود باقی است و اختلاف رتبه استعمال با وضع مشکل را بر طرف نمی‌کند.

همان طور که در مورد ضدین مثل سیاهی و سفیدی که اجتماع آنها در شیء واحد ممتنع است از راه تعدد رتبه نمی‌توان اجتماع آن دو را در شیء واحد بر طرف کرد در ما نحن فیه هم تأخر رتبه استعمال از وضع موجب ارتفاع اجتماع دو لحاظ استقلالی و آلی در شیء واحد و در زمان واحد نمی‌شود.

**سؤال:** نمی‌توان گفت با اینکه رتبه استعمال متأخر از وضع است ولی زمان آن دو یکی است چون استعمال نتیجه وضع است یعنی نخست وضع صورت گرفته و بعد از آن استعمال محقق شده است لذا زمان استعمال هم متأخر از زمان وضع است و نمی‌توان گفت زمان آن دو یکی است.

**استاد:** سخن شما در صورتی صحیح است که وضع تعینی، بالقول باشد مثلاً بگویند: «وضعتُ هذا اللفظ لهذا المعنی» که ما عرض کردیم وضع تعینی قولی در شرع وجود ندارد چون اگر چنینی وضعی از ناحیه پیامبر (ص) صورت می‌گرفت باید در تاریخ و احادیث به آن اشاره می‌شد در حالی که هیچ‌جا به چنین وضعی اشاره نشده لذا وضع تعینی قولی در شرع وجود ندارد، ولی بحث ما در وضع تعینی بالفعل است که شارع با نفس استعمال لفظ را برای معنای خاص وضع می‌کند لذا وضع زماناً مقدم بر استعمال نیست چون قبل از استعمال اصلاً وضعی در کار نیست بلکه وضع به خود استعمال محقق می‌شود.

#### **پاسخ از بخش دوم:**

محقق خوبی در بخش دوم پاسخ خود از محقق نائینی فرمود: اینکه محقق نائینی می‌فرماید: لحاظ معنی در مقام استعمال، استقلالی و لحاظ لفظ آلی است و در وضع بالاستعمال اجتماع دو لحاظ در شیء واحد لازم می‌آید طبق مبنای مشهور است که قائل‌اند به این که در استعمال همه توجه به معناست و اصلاً به لفظ توجه نمی‌شود اما طبق این مبنی که لحاظ معنی در مرحله استعمال، استقلالی است لحاظ لفظ هم استقلالی است لذا یک لحاظ بیشتر نداریم و آن هم استقلالی است و دو لحاظ وجود ندارد تا گفته شود اجتماع لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد پیش می‌آید، لذا در کثیری از موارد توجه لفظ در مقام استعمال بیش از توجه به معناست و این گونه نیست که لفظ استقلالاً مورد توجه نباشد و فقط به عنوان ابزار و وسیله برای انتقال معنی مورد لحاظ قرار گیرد کما اینکه خطباء و شعراء در مقام خطابه و شعر گفتن به الفاظ توجه دارند و سعی می‌کنند

از الفاظ زیبا و داری بلاغت و فصاحت استفاده کنند، پس معلوم می‌شود این گونه نیست که لفظ در مقام استعمال همیشه ملحوظ و متصور به لحاظ و تصور آلی باشد بلکه چه بسا خود لفظ مورد توجه و ملحوظ به لحاظ استقلالی باشد؛ مثلاً برای ترغیب مردم برای رفتن به میدان نبرد سعی می‌شود از الفاظی استفاده شود که شوق و رغبت برای رفتن به میدان را بیشتر کند لذا خود الفاظ استقلالاً مورد توجه و لحاظ قرار می‌گیرند. لذا محقق خوبی فرمود: لحاظ لفظ در مقام استعمال، استقلالی است و از این جهت فرقی بین مقام وضع و مقام استعمال نیست و همان گونه که لحاظ لفظ در مقام وضع استقلالی است در مقام استعمال هم لحاظ لفظ استقلالی بوده و دو لحاظ نیست تا گفته شود اجتماع لحاظین در شیء واحد لازم می‌آید.

پس اگر امکان این مسئله ثابت شود که هم در مقام وضع و هم در مقام استعمال، لفظ ملحوظ به لحاظ استقلالی است در ما نحن فیه که وضع بالاستعمال است مشکلی پیش نخواهد آمد، چون دو لحاظ در کار نیست تا اجتماع لحاظین در شیء واحد لازم آید بلکه یک لحاظ استقلالی به لفظ تعلق گرفته که هم در مقام وضع به لفظ تعلق گرفته و هم در مقام استعمال لذا دو لحاظ در کار نیست بلکه دو حیث وضع و استعمال است که لحاظ استقلالی لفظ به هر دو تعلق گرفته است لذا به نظر می‌رسد پاسخ دوم محقق خوبی به محقق نائینی تمام است.

نتیجه اینکه اشکال محقق نائینی به مرحوم آخوند وارد نیست.

**سؤال:** در همان جایی هم که خطیب یا شاعر سعی می‌کند از الفاظ بهتر و زیباتری استفاده کند و آنها را به استخدام در آورد باز هم لفظ مستقلاً مورد لحاظ قرار نگرفته بلکه هدف این است که مخاطب به معنی منتقل شود لذا باز هم لحاظ لفظ آلی و تبعی خواهد بود، چون توجه و لحاظ خود لفظ به تنهایی و به طور مستقل هیچ فایده‌ای در پی ندارد بلکه همه هدف از استعمال لفظ این است که مخاطب به معنای آن منتقل شود.

**استاد:** منظور از لحاظ استقلالی لفظ این نیست که اصلاً توجهی به معنی نشود تا شما بگویید خود لفظ به تنهایی هیچ فایده‌ای در پی ندارد چون در مقام وضع هم که لفظ مستقلاً مورد لحاظ قرار می‌گیرد این گونه نیست که اصلاً به معنی توجهی نمی‌شود بلکه منظور این است که ضمن اینکه لفظ می‌خواهد علامت برای معنی باشد به خود لفظ هم توجه می‌شود و خود لفظ هم مستقلاً مورد لحاظ قرار می‌گیرد و منافاتی نیست بین اینکه هم لفظ علامت برای معنی باشد و هم خودش مستقلاً مورد لحاظ قرار گیرد؛ مانند علامت و ذو العلامه که در عین حال که علامت بر یک معنایی دلالت دارد خودش هم مستقلاً مورد توجه است.

**خلاصه:** بحث در این بود که مرحوم آخوند فرمودند حقیقت شرعیه به نحو وضع تعیینی به صورت وضع بالاستعمال ممکن است و ثبوتاً چنین وضعی متصور و ممکن است، محقق نائینی فرمود: چنین وضعی ثبوتاً ممتنع است، یعنی ممتنع است شارع بگوید: «صلّوا کما اصلّی» و همان زمانی که لفظ را استعمال می‌کند وضع هم بکند؛ چون مستلزم اجتماع دو لحاظ آلی و استقلالی در شیء واحد یعنی لفظ در زمان واحد است. پاسخ محقق عراقی از اشکال محقق نائینی را ذکر و مورد بررسی قرار

دادیم و گفتیم کلام ایشان تمام نیست، پاسخ محقق خوبی را هم که دارای دو بخش بود ذکر کردیم و مورد بررسی قرار دادیم، بخش اول کلام محقق خوبی رد شد اما بخش دوم کلام ایشان خالی از اشکال بود و گفتیم کلام ایشان صحیح است لذا عرض کردیم پاسخ دوم محقق خوبی از اشکال محقق نائینی به مرحوم آخوند تمام است بنابراین اشکال محقق نائینی به مرحوم آخوند وارد نیست و تا اینجا نتیجه این شد که وضع بالاستعمال صحیح است و ثبوتاً مشکلی ندارد.

#### **پاسخ محقق اصفهانی:**

عرض کردیم ایشان تقریب دیگری از اشکال وارد بر مرحوم آخوند ارائه داده، ایشان هم مثل محقق نائینی فرمود اگر قائل به وضع بالاستعمال شویم اجتماع لحاظین در شیء واحد لازم خواهد آمد لکن تفاوت نظر ایشان با محقق نائینی در شیء واحد بود که ایشان آن شیء واحد را دلالت و حکایت دانست ولی محقق نائینی آن شیء واحد را لفظ دانست.

این اشکال توسط خود محقق اصفهانی پاسخ داده شده، ایشان برای حل این مشکل فرموده: مقام تعلق لحاظ آلی با مقام تعلق لحاظ استقلالی متفاوت است، درست است که به یک دلالت و حکایت می‌خواهد این دو لحاظ صورت بگیرد ولی حکایت و دلالت متعلق به لحاظ آلی از حیث مقام با مقام دلالت و حکایت متعلق به لحاظ استقلالی متفاوت است؛ به این نحو که یکی از این دو سبب برای دیگری است؛ پس هم در وضع و هم در استعمال، حکایت و دلالت وجود دارد و یک حکایت هم هست ولی حکایت و دلالت متعلق به لحاظ آلی که مربوط به مقام استعمال است با حکایت و دلالت متعلق به لحاظ استقلالی که مربوط به مقام وضع است متفاوت است.<sup>۱</sup>

«والحمد لله رب العالمین»

---

۱. نهاية الدراية، ج ۱، ص ۸۶.